

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire	طنز
--------	-----

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن – المان

غولدنگ

بگذار، خر خر خر کند ، این بار ، منزل میرسد
ورنه به صد خون جگر ، خیلی به مشکل میرسد
خر خر به هر خر واجبست ، ورنه کجا خر خر شود
در گِل بماند روز و شب ، داروی فاصل میرسد
(نوشادر فرمایشی) ، باید به سر وقت خران
تا نغمه هنگ هنگ شان ، با ساز باطل میرسد
(لؤلؤ) و (شادولای) ما ، با سادگی و پادگی
از (تی وی اشراریان) پیغام عاجل میرسد
توهین ، بر روشنگران ، تحقیر بر آزادگان
تکفیر هم بر شاعران ، سوغات جاهل میرسد
از نوکران طالبی ، وز چاکران قالبی
گلکار تعریفی شان با کاه و با گِل میرسد
گلماله جعلی وی سودی نبخشد بر چکک
بوران ما بر بام آن (غولدنگ) غافل میرسد
(غولدنگ) ، یعنی محترم (لؤلؤی) بیعقل و خرد
این نام از روشنگران ، در شأن سافل میرسد

بر گردنِ خر مینگر ، نیکتاییِ شش دالری

لنگر نموده یکطرف ، آن کورِ کاهل میرسد

پرسش ز (شادولا) شدی ، از (واژه) و معنای آن

گفتا یکی از لهجه آفل ، ز ناقل میرسد

ای (آبه پیچو) باخبر ، (قلدُر) نمائی می نکن

بر بُرس و رنگ و پالشت ، تیغ دلائل میرسد

گاهی به دست (طالبان) ، گاهی به پای (گلبدین)

فرمان و حکم اجنبی ، از زنگِ فاعل میرسد

حرف حقیقت ، جان من ، شور است و خیلی تلخ و تند

هم خارش و هم سوزش از ، بیرون و داخل میرسد

یا رب کمی انصاف ده ، بر (بر خادکی) بیحیا

داند که روزی عدل آن ، سلطانِ عادل میرسد

پس از سرِ روشنگران دستِ جفا کوتاه کند

درسِ وفا گیرد ز ما ، تا بذلِ باذل میرسد

صلح و صفا و آشتی ، شد خرمنِ اهدافِ ما

از کشتِ تخمِ دوستی ، بنگر چه حاصل میرسد

آمد پسندِ خاطرَم در صفحه (فیس بوک) مان

دشنامِ چند تا خادکی ، بر جمله ، شامل میرسد

تا خواندمش ، جاری شدی ، طبعِ روانم هرطرف

دُر و اژه های معرفت ، به به ز ساحل میرسد

بگذار سگِ عوعو کند ، بگذار خرِ عرعرا کند

ناموسِ خود جو جو کند ، تا شکوه از دل میرسد

« نعمت » ! به پاسِ دوستی ، بس بس توقف لازمست

ترسم ز جولانِ قلم ، تیری به بسمل میرسد

بخاطر روشن ساختن اشخاصی که سگهای جنگی را تربیت کرده به جان روشنگران و فرزندان راستینِ وطن وُچ وُچ میکنند، بخاطرِ آنهایی که رفاقت با اشرار و ناخلفان خادکی دارند، همچنان بخاطرِ ادب کردنِ بی ادبان، و هدایت نمودنِ باند ترورِ شخصیت، که گذشته های ننگینِ خود را با تاپه های سیاست و مَهرهای دین و مذهب، به فرزندانِ صدیق، و روشنگرانِ میهنِ غرور آفرینِ

ما می‌چسپانند، و مانند چوبخطیها، وقت و ناوقت، با الفاظ کوچه بازاری هرچه که دل تنگ‌شان خواست می‌گویند.

فقط و فقط یک راه چاره وجود دارد، که هم اخلاق و ادب فرهنگی را مراعات کرده باشیم و هم عفت و حرمت کلام را؛ یعنی هریکی از باند ترور شخصیت که در هر برنامه ای به هموطنان ما توهین و یا فحاشی کند باید به همان برنامه سازی که زمینه سازی کرده و وقت گرانها را در اختیار همچو عقده ئی ها و مریضهای شخصیتی گذاشته و اخلاق و تربیت فرهنگی را مراعات نکرده به همان اوزان و ابعاد بلکه شدیدتر پاسخ داده شود، نه به شخص فحاش و مربوطین. باند ترور شخصیت.

و همچنان اگر برنامه ساز و یا برنامه داری، از هر تلویزیونی که باشد به هموطنان عزیز بیحرمتی و یا ترور شخصیت کند، پاسخش را به رئیس و یا معاون تلویزیون مذکور که مسؤول در نزد مردم هستند، باید داد تا رؤسای تلویزیونها هم در قسمت کنترل برنامه ها و تربیت برنامه سازان، سعی بلیغ مبذول داشته، متوجه رسالت فرهنگی خود شوند، و هم در همچو زد و خورد های فرهنگی نباید تعرض، توهین و تحقیر، تهمت و بی حرمتی به فامیلهها شود، و هم نباید اسم اشخاص گرفته شود، اگر انتقادی باشد بدون گرفتن نام مثلاً بگویند (یکی از برنامه داران اجتماعی و یا یکی از مبصران سیاسی و یا یکی از شعرائی که اشعار انتقادی و یا به ریش و عبا و قبا و غیره غیره می‌گویند.) کوشش کنند با اشارات و رمزهای طنز گونه طرف را بفهمانند.

انتقاد همیشه سازنده است، جر و بحث همیشه باید جریان داشته باشد، تا واقعیتها در انظار ما جلوه گری نموده رخ بگشاید زیرا از گفته های بزرگان ماست که:

« "واقعیت" شعاع بارقه ای از تصادم افکار است! »

(28 \ 09 \ 2010)